

مژده گل

امام زمان (عج)

نویسنده: مجید ملامحمدی

تصویرگر: کوثر رضایی

ویراستار: رامین باباگل زاده

ناشر: انتشارات کتاب جمکران

چاپ: نهم، ۲۰۰۰ نسخه، تابستان ۱۴۰۳

مدیریت بازرگانی: ۰۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹

بازرگانی کتاب جمکران: ۰۹۱۹۲۵۵۲۰۳۰

www.ketab.ir

گروه سنی: ب، ج

محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -
داستان

Muhammad ibn Hasan, Imam XII - Fiction

داستان‌های مذهبی

Religious fiction

داستان‌های کوتاه فارسی

Short stories, Persian

رضایی، کوثر، تصویرگر

۱۳۹۵ الف ۷۴۹م ۶۸/۲۹۷د

ملامحمدی، مجید، ۳۴۷-۰۳۴۷

موضوع: امام

موضوع: زمان عجل‌الله تعالی فرجه / مجید ملامحمدی؛ تصویرگر کوثر رضایی؛ ویراستار رامین باباگل زاده.

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی دیویی

مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، گنجشک‌های جمکران، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۴۶ص.: مصور(رنگی)؛ ۱۷x۲۴س.م. مژده‌ی گل؛ ۱۴.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۴۶۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

گنجشک‌های جمکران

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، مسجد مقدس جمکران، صندوق پستی: قم ۶۱۷
انتشارات کتاب جمکران



ketabejamkaran.ir

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، مسجد مقدس

جمکران، صندوق پستی: قم ۶۱۷

تلفن تماس: ۰۲۵ ۳۷۲۵۳۳۴۰

سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۲۵۳۷۲۵۳۳۴۰

دل غمگین عمّه حکیمه

گل گل گل، بر دست درخت‌ها، گل‌های زیبایی باز شد. جیک جیک جیک، از نوک گنجشک‌ها آواز قشنگی بیرون ریخت. دام دام دام، داشت باران می‌بارید. هوا دل‌پذیر بود و درخت‌ها دست‌های‌شان را به آسمان گرفته بودند.

فرشته‌ی باران با قطره‌های نقره‌ای‌اش، صورت شهر سامرا را پر از مهربانی کرد. به نخل‌ها رنگ تازه داد و روی پر پرندehا، بوی بهار پاشید. عمه حکیمه^۱ که از پشت پنجره‌ی اتاقش به باران خیره بود، هوا را با شوق بو کرد و گفت: «خدایا! از تو سپاس گزارم که برای ما باران فرستادی و شهرمان را به برکت امام حسن عسکری علیه‌السلام و کودک عزیزش، باطراوت ساختی!»

وطن اصلی عمّه حکیمه مثل امام عسکری علیه‌السلام و خانواده‌اش، شهر مدینه بود؛ اما آن‌ها مجبور بودند به خاطر اجبار خلیفه‌ی عباسی^۲ در سامرا زندگی کنند. سامرا یک شهر کوچک و فظامی بود که بیش‌تر آدم‌هایش، مأمورهای خلیفه بودند.

وقتی باران بند آمد، عمّه حکیمه عصایش را زمین گذاشت، از پله‌های ایوان پایین رفت و در حیاط خانه چرخ زد. به باغچه‌ی کوچکش نگاه کرد. شاپرک‌ها و زنبورها یکی یکی به باغچه آمدند و به گل‌ها و سبزه‌ها سلام کردند. گنجشک‌ها چندتا چندتا روی دست درخت‌ها نشستند و به برگ‌های خیس، نوک کشیدند. عمّه حکیمه به آسمان نگاه کرد. دوتا قطره از دو طرف چشم‌هایش بیرون افتاد. آهسته گفت: «آسمان قدر برادرزاده‌های گلم را می‌داند؛ اما سامرا و مردمان کینه‌توزش چه؟ هرگز!»

خانه‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام نزدیک خانه‌ی عمّه حکیمه بود. عمه حکیمه انگشت به صورت یک گل کشید و گفت: «کاش مردم می‌فهمیدند و باور می‌کردند که خداوند به خاطر امامان ماست که باران می‌فرستد، بهار می‌آورد، زمین را غرق در سبزه می‌کند، گل می‌رویانند،

۱. حکیمه خاتون، دختر دانشمند امام جواد علیه‌السلام، خواهر امام هادی علیه‌السلام و عمه‌ی امام عسکری علیه‌السلام بود. قبر او در شهر سامرا و در کنار قبر امام هادی، امام عسکری و حضرت نرگس علیهم‌السلام قرار دارد.

۲. در زمان امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام، شهر سامرا پایتخت حکومت عباسیان بود. آن‌ها به اجبار، امام هادی علیه‌السلام را از مدینه به سامرا بردند، تا نتواند با شیعیان رابطه داشته باشد. سپس او را با زهر به شهادت رساندند. امام حسن عسکری علیه‌السلام در سامرا به دنیا آمد؛ اما هیچ‌وقت نتوانست به مدینه و مکه برود. فرزند عزیزش امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه هم در سامرا به دنیا آمد.